

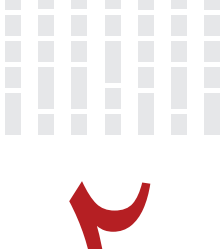
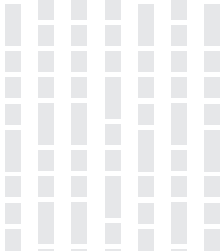
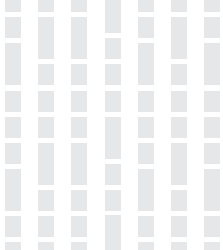
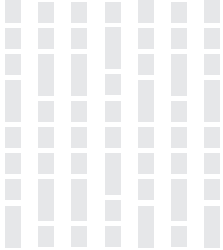
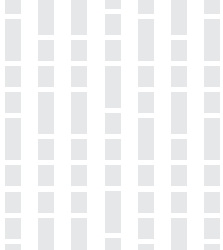
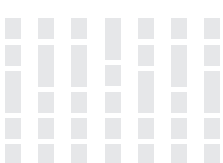
روز قیامت

دوشنبه ۱۸ دی ۱۴۰۲

شماره ۴۰۵۲

WWW.FDN.IR

FARHIKHTEGANDAILY



درباره ۲ اظهارنظر عجیب از وزیر کشور؛ تغییر اسم «اسنپ‌فود» و «ردصلاحیت به خاطر کمبود وقت»

خواجه در بند نقش ایوان است



زهرا طیبی خبرنگار گروه نقد روز

اینکه در پاسخ به موضوعات و مسائلی که حساسیت افکارعمومی را برانگیخته و آنها را نگران کرده چه واکنشی از جانب مسئولان مطرح شود، در فضایی که در جامعه و میان افکارعمومی وجود دارد، تفاوت قابل توجهی دارد. اگر واکنش‌ها ناظر به شانه خالی کردن از مساله باشد، اینکه این احساس را ایجاد کند که تفاوت قابل توجهی میان دغدغه مسئولان و مردم وجود دارد، یا احساس شود انگیزه‌ای برای رفع مشکل مردم وجود ندارد، خود مشکلی به مشکلات ایجاد می‌کند. در چند وقت اخیر از جمله موضوعاتی که واکنش‌ها در مورد آن قابل توجه بوده، موضوع حک اسنپ‌فود و اعلام نظر هیات‌های اجرایی در بررسی صلاحیت داوطلبان بوده است. در این میان توقعی که در فضای عمومی جامعه وجود دارد این است که برخورد جدی با متخلفان حک اسنپ‌فود و سرقت اطلاعات کاربران مورد توجه قرار بگیرد، اما به یکباره از تغییر نام اسنپ‌فود صحبت به میان می‌آید.

■ موضوعی مهم‌تر از حک اطلاعات کاربران؟

هنوز ماجرای حک اسنپ‌فود و اطلاعاتی که توسط حکرها سرقت شد، در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. موضوع مشخص این است که اطلاعات نزدیک به ۲۰ میلیون کاربر اسنپ‌فود، در اختیار حکرها قرار گرفته و بر مبنای اطلاعاتی‌ای که شرکت اسنپ‌فود منتشر کرده است، اطلاعات کارت بانکی، رمز و تاریخ انقضای کارت‌های بانکی در اختیار حکرها قرار نگرفته و این اطلاعات در هیچ پلتفرمی ذخیره نمی‌شود. فارغ از اینکه این حک از جانب چه کسانی و به چه صورتی اتفاق افتاده است، موضوع مهم این بود که مشخصا حریم خصوصی کاربران در این پلتفرم نقض شد، با توجه به اینکه بیشتر اقدامات و کارهای روزمره، با استفاده از همین پلتفرم‌ها صورت می‌گیرد، ایجاد حس ناامنی و احتمال سرقت اطلاعات آنها در پلتفرم‌های دیگر را نیز به همراه دارد. در چنین شرایطی که هنوز زمان زیادی از حک اسنپ‌فود نگذشته و مشخص نیست سرنوشت اطلاعات کاربران اسنپ‌فود چه خواهد شد، وزیر کشور در آخرین اظهار نظر خود درباره حک اسنپ‌فود، موضوعی را مطرح می‌کند که به نظر می‌رسد بیش از اصل موضوع برآی او از اهمیت برخوردار است؛ نام انگلیسی اسنپ‌فود که وحیدی تأکید می‌کند: «باید اسم‌شان را اصلاح کنند».

■ چه کسی حک‌ها را گردن می‌گیرد

واقعیت این است که حک برنامه‌ها و پلتفرم‌ها موضوعی است که در همه جای دنیا اتفاق می‌افتد، اما تکرار چندباره حک‌ها و سرقت اطلاعات نشان می‌دهد مشکل فقط هوشمندی و توانمندی حکرها نیست. در پس موفقیت چندباره حکرها، ضعف زیرساخت‌ها در این حوزه نیز مورد توجه قرار دارد. هنوز زمان زیادی از حک تپسی و تکرار دوباره حک پمپ بنزین‌ها نگذشته است، این موضوع نشان می‌دهد تکرار چندباره این حک‌ها ناشی از ضعف زیرساخت‌ها در حوزه اینترنتز و پلتفرم‌هاست. اما وقتی سراغ مسئولان می‌روید و علت وقوع این حک‌ها را جویا می‌شوید، نهاد دیگر را مسئول پیگیری این موضوع معرفی می‌کنند. برای مثال وزیر ارتباطات پس از حک تپسی درباره پیگیری این اتفاق گفت: «مسئول رسیدگی به امنیت کسب‌وکارها طبق تقسیم وظایفی که مرکز ملی فضای مجازی انجام داده پلیس فتاست که خودشان گزارش می‌دهند.» وحیدی، وزیر کشور نیز روز گذشته درباره پیگیری حک اسنپ‌فود و سرقت اطلاعات کاربران گفت: «اینکه جزئیات ماجرا به کجا رسیده را باید از خودشان پیگیری کنید.» معاون فرهنگی اجتماعی پلیس فتا هم گفت: «در حال حاضر پرونده شرکت اسنپ فود در دست بررسی است تا پس از اتمام بررسی‌ها و جمع‌بندی نهایی به مراجع قضایی معرفی شود و

لذا تصمیم‌گیری درخصوص اتفاقی که افتاده با آنهاست.» در شرایطی که نهاد‌های مسئول هرکدام دیگری را مسئول پیگیری ماجرای حک اسنپ‌فود می‌دانند و به نظر می‌رسد کسی این ماجرا را گردن نمی‌گیرد، وزیر کشور در آخرین اظهار نظر خود موضوع دیگری را مطرح کرد که موبد این گزاره بود که گویا فاصله جدی میان اظهارنظر وزیر کشور و دغدغه مردم در ماجرای اخیر وجود دارد. هنوز چند سوال بی‌پاسخ برای افکارعمومی وجود دارد، اینکه این اتفاق به چه شکلی صورت گرفته است، آیا تخلفی متوجه اسنپ‌فود نیز هست؟ موضوع آخر و مهم‌تر از همه اینکه سرنوشت اطلاعات ۲۰ میلیون کاربری که به سرقت رفته چه می‌شود؟ در این میان شاید کمترین توقع این است که در مصاحبه‌ها و گفت‌وگوهای مسئولان امر تأکید و جدیت برای پیگیری این موضوع مورد توجه قرار گیرد. در این میان تکیه روی موضوعاتی که در شرایط فعلی از اهمیت کمتری نسبت به ماجرا برخوردار هستند این احساس را به افکارعمومی منتقل می‌کند که عزم جدی برای حل مساله‌ای که دغدغه مردم است و آن موضوع امنیت کاربران و صیانت از اطلاعات آنهاست وجود ندارد و نگاه‌ها متوجه موضوعاتی فرعی است که در شرایط فعلی بحرانی تلقی نمی‌شوند. بهتر بود وزیرکشور به جای تکیه روی این موضوع که می‌بایست نام انگلیسی اسنپ‌فود تغییر کند، نوک پیکان انتقادات را متوجه حک و سرقت اطلاعات در پلتفرم می‌انست تا برداشت‌ها از اظهارات این نباشد که توجه جدی به موضوع امنیت کاربران وجود ندارد.

■ از تقویت زیرساخت‌ها چه خبر؟

موضوع دیگری که در پس حک اطلاعات کاربران در اسنپ‌فود مورد تأکید قرار گرفت این بود که گفته می‌شد یکی از علت‌های فیلتر پلتفرم‌های خارجی در داخل کشور این بوده که اطلاعات کاربران مورد سرقت قرار می‌گیرد و تضمینی برای حفظ اطلاعات کاربران وجود ندارد. موضوعی که بعد از حک و شایعاتی که در مورد در دست داشتن اطلاعات کاربران در برخی پیام‌رسان‌های ایرانی مطرح شد این سوال را به وجود آورد که اگر حفظ امنیت اطلاعات کاربران یکی از دغدغه‌های مسئولان بود چرا در ادامه این امر تقویت زیرساخت‌ها برای حفاظت از اطلاعات و جلوگیری از حملات سایبری و هکری در پلتفرم‌های داخلی اتفاق نیفتاد و حالا که این اتفاق رخ داده قرار است چه تصمیمی برای مقابله با قصورات احتمالی و جلوگیری از تکرار دوباره اطلاعات اتفاق بیفتد؟ امری که در پس شانه خالی کردن هرکدام از نهاد‌های مسئول این شائبه را تقویت می‌کند که عزم جدی برای مشخص شدن ابعاد این اتفاق وجود ندارد. در این میان موضوعی که همواره و بعد از هر حمله سایبری یا حک اطلاعات و پلتفرم‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد و بعد از آن به فراموشی سپرده می‌شود، توسعه و تقویت زیرساخت‌هاست؛ امری که بعد از حک دوباره پمپ بنزین‌ها مورد انتقاد قرار گرفت، برای مثال بعد از حک پمپ بنزین‌ها این موضوع مطرح می‌شد که نیاز به استفاده از یک شبکه داخلی در حوزه توزیع پمپ بنزین‌ها وجود دارد که البته زیرساخت‌های آن نیز فراهم است، اما خبری از اجرایی شدن آن نیست و پیگیری برای استفاده از آن وجود ندارد. در مورد پلتفرم‌ها نیز بعد از حک تپسی در مورد اسنپ‌فود تکرار شد، امری که غفلت برآن در شرایطی که استفاده از این پلتفرم‌ها در حال تبدیل شدن به یکی از نیازهای ضروری و روزمره مردم است، امنیت کاربران برای اعتماد به این پلتفرم‌ها و استفاده از آنها را با چالش مواجه می‌کند.

■ وقت کم علت عدم احرازها در وزارت کشورا

وزیر کشور در اظهارات روز گذشته خود درباره اعلام نظر هیات‌های اجرایی در بررسی صلاحیت‌ها، کمبود وقت را علت عدم احراز صلاحیت برخی داوطلبان اعلام کرد و گفت: «آن تعدادی که هیات‌های اجرایی رد کردند بخشی به سمت کشور بوده که فرصت کافی برای بررسی نداشتند؛ عنوان مثال اینها باید یک سابقه‌ای را نشان می‌دادند برای ۵ سال فعالیت؛

درباره یک نکته مهم که رهبر انقلاب در جمع مداحان به آن اشاره کرد

چرا تبیین «پروپاگاندا» نیست

این امر سر باز زده و برای تحقق مدل حکمرانی که آن را عدالت‌محور و مدافع آزادی می‌داند دست به زور ببرد، عملاتناقضی را به تصویر می‌کشد که نشان می‌دهد مدعیان آن حکومت در اد‌عای خود صداقت ندارند و منافع دیگری را دنبال می‌کنند. به همین دلیل نیز با اد‌عای آزاد‌یخواهی، آزادی مردم را سلب کرده و ناعادلانه برای آنها تعین تکلیف می‌کنند. کسانی که پیش از تصاحب قدرت منطق زور را به کار می‌برند، پس از تسلط خود با هدف مشروعیت‌بخشی به حکومت‌شان ابزارهای رسانه‌ای و فکری را فعال می‌کنند. اگر فردی نیز در مخالفت با این ایده‌ها اظهارنظر کند مجدد این ابزار زور است که پاسخ او را می‌دهد نه ایده‌های گفتمانی. به ایده‌هایی که با چنین رویکردی به کار گرفته می‌شوند می‌توان عنوان ایدئولوژی توجیه‌گر اطلاق کرد. ایدئولوژی‌ای که کارکرد اقطاعی نداشته و پس از تسلط قدرت ترویج می‌شود.

■ انتخاب اجباری مارکسیست‌ها

کمونیست‌ها که خود را داعیه‌دار جامعه‌گرایی می‌دانند، زمانی در روسیه به قدرت رسیدند که ارتش سرخ توانست با درگیری‌های خونین نیروهای ضدکمونیستی ارتش سفید را سرکوب کند. پس از شکست‌های متعدد روسیه تزاری در جنگ جهانی اول، حامیان آن‌ها روزروز کاهش پیدا کرد تا اینکه پس از دو انقلاب فوری و اکثیر در سال ۱۹۱۷ حزب بلشویک به رهبری لنین قدرت را در این کشور به دست گرفت. پس از آن دوره جنگ‌های داخلی روسیه آغاز شد و ارتش شوروی که با نام ارتش سرخ تحت رهبر تروتسکی تشکیل شده بود به سرکوب مخالفان پرداخت. پس از سرکوب مخالفان حزب بلشویک که نام خود را به حزب کمونیست اتحاد شوروی تغییر داده بود، تأسیس کشور «اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی» را اعلام کرد. پس از مرگ لنین، استالین دومین رهبر بلشویک‌ها نیز نه از طریق انتخاب اعضای حزب کمونیست که از طریق سرکوب مخالفانی همچون لئون تروتسکی، خالق ارتش سرخ، به قدرت رسید. در زمان حکومت کمونیست‌ها نیز پاسخ مخالفان به جای رجوع به ایدئولوژی مارکسیستی از طریق دادگاه‌های تفتیش عقاید و احکام قضایی سنگین داده می‌شد. سرنوشت چنین حکومتی که رهبران آن با مشی تمامیت‌خواهانه کرسی‌های قدرت را تصاحب کرده و مخالفان را به کام مرگ می‌کشاندند، درنهایت چیزی جز زوال و فروپاشی نبود. حاکمان شوروی سابق با رفتاری که با مخالفان داشتند، نشان دادند که ایدئولوژی مورد اد‌عای آنها نه در بنیان‌گذاری و نه در تداوم حکومت نقشی نداشته و در اقطاع افکار

شاید ۳۰ درصد از آن تعدادی که عدم احراز خوردند به این خاطر بود که فرصت کم بود.» اظهاراتی که با واکنش‌های زیادی همراه شد. یکی از موضوعاتی که در این میان مورد توجه قرار دارد این است که بخشی از تغییر ایجاد شده بر مبنای طرح مجلس در انتخابات مجلس به این علت اتفاق افتاد که اساساً زمان بررسی صلاحیت‌ها توسط شورای نگهبان محدود بوده و فرصت بررسی دقیق تمامی ثبت‌نام‌کنندگان موجود نبوده است. چندمرحله‌ای شدن بررسی صلاحیت‌ها به این منظور اتفاق افتاد که فرصت بیشتری برای بررسی صلاحیت داوطلبان وجود داشته باشد؛ با این حال وزیر کشور علت عدم احراز برخی ثبت‌نام‌کنندگان را فرصت کم دانسته تا هیات‌های نظارت به بررسی آن بپردازند؛ امری که به نظر می‌رسد با توجه به تغییر در بررسی صلاحیت‌ها در انتخابات این دوره همچنان به قوت خود باقی است. موضوع دیگری که وزیر کشور در اظهارات خود مطرح کرد این بود که نزدیک به ۳۰ درصد از ثبت‌نام‌کنندگان به این علت عدم احراز خوردند؛ پاسخی که با توجه به اهمیت و حساسیت انتخابات مجلس دوازدهم چندان توجیه‌پذیر به نظر نمی‌رسد. در همان روزهای ابتدایی اعلام نظر هیات‌های اجرایی و عدم احراز برخی افراد فضای منفی در میان افکارعمومی ایجاد شد و از همه مهم‌تر اینکه دلیل مشخصی برای عدم احراز یا عدم تأیید نیز ارائه نمی‌شد و برخی در همین راستا اظهاراتی را مطرح کردند. در چنین شرایطی وزیر کشور دلیل عدم احراز برخی افراد را کمبود وقت می‌داند؛ موضوعی که در وهله اول این شائبه را تقویت می‌کند که در نگاه وزارت کشور هنوز اهمیت و حساسیت ماجرا درک نشده است و از طرفی نیز مطرح کردن این موضوع که نزدیک به ۳۰ درصد از ثبت‌نام‌کنندگان به خاطر نبود وقت عدم احراز خوردند، این گزاره را تقویت می‌کند که نوعی سهل‌انگاری و بی‌توجهی در بررسی صلاحیت‌ها اتفاق افتاده و ممکن است تأیید صلاحیت برخی افراد نیز در سایه این سهل‌انگاری و با دقت نظر کامل صورت نگرفته باشد.

■ لطفا مردم را عصبانی نکنید!

موضوع مهم دیگر پاسخی است که درباره علت عدم احرازها به جامعه داده می‌شود. موضوع بررسی صلاحیت‌ها، یکی از مسائلی است که تقریباً برداشتن گام‌های بعدی انتخابات به آن بستگی دارد. با این حال نگاه بسیاری از سیاستیون به اعلام نظر هیات‌های اجرایی در این مرحله بود. حال پاسخ وزیر کشور درباره اینکه چرا برخی افرادی که در هیات‌های اجرایی رد شده بودند در هیات‌های نظارت تأیید شدند، مبنی بر اینکه علت برخی عدم احرازها کمبود زمان بوده، نه تنها افکار عمومی را درباره عدم احرازها توجیه نمی‌کند، بلکه این احساس را ایجاد می‌کند که دقت کافی در بررسی صلاحیت‌ها توسط وزارت کشور صورت نگرفته است. به نظر می‌رسد این اظهارنظرهای غیردقیقی که به جای توجیه افکار عمومی منجر به عصبانی شدن آنها می‌شود، تعمیق شکاف میان مسئولان و مردم را به دنبال دارد و موضوع مهم این است که این اظهارات در برخی موارد به کل مسئولان تعمیم داده خواهد شد.



به این دلیل که در دانشگاه‌شان جمعاتی در مخالفت با جنایات ضدبشری رژیم صهیونیستی برگزار شده، با اتهام بیهودی ستیزی به کنگره کشانده شده و مورد تفتیش و تقیح عقاید قرار گرفتند. نهایتاً نیز لابی رژیم صهیونیستی گزینه استعفا را پیش رویشان قرار می‌دهد. اتکای ایالات متحده به ابزار نظامی نه تنها برگسترش نفوذ این کشور بر جهان تک قطبی نیفزود بلکه روزه‌روز قدرت نرم این کشور را کاهش داد و جهان را به سمت تشکیل قطب‌های دیگری سوق داد که دیگر هژمونی به نام آمریکا را به رسمیت نمی‌شناسند. ایالات متحده با روش رفتاری خود هم نفوذ قدرتش در جهان را رو به افول می‌بیند و هم در داخل با چالش سرمایه اجتماعی مواجه شده است. شکل‌گیری امواج اعتراضی پی در پی که دامنه‌اش به ساختمان کنگره نیز رسید، تصویر تضعیف‌تدریجی قدرت نرم آمریکا در جهان را تکمیل می‌کند.

■ تضمین تداوم قدرت با تکیه به مردم

با بررسی مثال‌های شوروی و ایالات متحده آمریکا به عنوان نماد‌های عینی ایدئولوژی مارکسیسم و لیبرالیسم نشان دادیم که این ایدئولوژی‌ها پس از تصاحب زور به هدف توجیه قدرت مصرف شده و نهایتاً نیز در حفظ نظام سیاسی زورمحور ناکام مانده‌اند. به عنوان نمونه‌های داخلی نیز عدم موفقیت مبارزان مارکسیست و لیبرال‌ها در کسب قدرت در انقلاب را ذکر کردیم. در سئوی مقابل اما گفتمان انقلاب اسلامی تأثیر مردم به عنوان قابل‌اتکاترین منبع قدرت را اثبات کرده است. امام خمینی بدون اینکه استفاده از اسلحه را تجویز کند صرفاً با استفاده از شیوه اقطاع، قدرت مردم را به کار گرفت و زور اسلحه رژیم پهلوی را کتان زد و نشان داد همواره نمی‌توان با اسلحه حکومت کرد. رویکرد اقطاعی در ادامه بقای جمهوری اسلامی در بحران‌های مختلف پس از انقلاب را نیز تضمین کرد. مجاهدین با وجود تورهای کور نتوانستند حمایت مردم از حاکمیت را کاهش دهند و قدرت مجهز نظامی فعال شده علیه ایران نیز با بسیج مردمی در دفاع مقدس سرکوب شد. جمهوری اسلامی تنها حکومتی است که جایگاه مردم را به رسمیت شناخت و با اقطاع عمومی تحکم پیدا کرد. همین شیوه باعث شده تا ۴ دهه پس از انقلاب اسلامی شاهد باشیم بدون به کار بردن زور، گفتمان انقلاب در منطقه ترویج پیدا کرده و گروه‌های مقاومت خود را مقلد روش سیاسی ایران بدانند. نتیجه رخ داده این گزاره را اثبات می‌کند که راه تداوم یک شیوه سیاسی به رسمیت شناختن مردم و اقطاع آنهاست نه تحکم و استفاده از ابزار زور.